

منابع و خدمات علمی - پژوهشی مورد نیاز دانشگاه برای تحقق یادگیری مادام‌العمر

صدیقه کریمی^۱
دکتر احمد رضا نصر اصفهانی^۲
دکتر کاظم بقراطیان^۳

چکیده

هدف این پژوهش ارائه پاسخی مناسب برای این سؤال هاست: چه نوع خدمات علمی - پژوهشی باید به دانشجویان ارائه داد تا هدف پرورش یادگیرنده مادام‌العمر تحقق یابد؟ مراکز ارائه دهنده این خدمات چه وظایفی بر عهده خواهند داشت؟ و برای تجهیز دانشجویان به دانش، نگرش‌ها، و مهارت‌های لازم برای تداوم یادگیری، از چه منابع و ابزارهایی باید استفاده کرد؟ در پژوهش کیفی حاضر، دیدگاه‌های ۲۱ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی وابسته به آموزش عالی در دو شهر تهران و اصفهان مورد بررسی قرار گرفته است. این افراد با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و دیدگاه‌های آنها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری و با استفاده از روش مقوله‌بندی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، کتابخانه، مرکز اطلاع‌رسانی، مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه و یادگیری، و مرکز مشاوره پشتیبان برنامه درسی خدمات خود را با رویکرد یادگیری مادام‌العمر ارائه می‌دهند. این مراکز از یک سو باید برای تجهیز دانشجویان به سواد اطلاعاتی فعالیت کنند و از سوی دیگر، اعضای هیئت علمی را یاری دهند تا با روش‌های تدریس و ارزیابی مؤثر آشنا شوند و فرصت‌های یادگیری مؤثرتری را تدارک بینند. لازم است ارائه خدماتی مانند تشکیل انجمن‌های علمی و حرفه‌ای و برگزاری همایش با مشارکت دانشجویان مورد توجه قرار گیرد. به کارگیری ابزارها و منابع در تدریس و آشنا کردن دانشجویان با طرز کار با آنها برای کمک به تداوم یادگیری آنان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. مجموعه متنوعی از ابزارهای سنتی و فناوری‌های جدید، به‌ویژه رایانه، را می‌توان و باید برای این منظور به کار گرفت. استاد در این حیطه نقش مدیریت منابع را بر عهده دارد.

کلید واژه‌ها

ابزار و منابع، برنامه درسی، خدمات علمی - پژوهشی، دانشگاه، یادگیرنده مادام‌العمر، یادگیری مادام‌العمر

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان amasr@edu.ui.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

اکثر دانشگاه‌ها به منظور انجام وظایف خود در زمینه ارائه خدمات علمی - پژوهشی به دانشجویان از یک سو از ابزارها و منابع آموزشی و کمک آموزشی استفاده می‌کنند و از سوی دیگر دارای واحدها و مراکزی مانند کتابخانه، مرکز اطلاع‌رسانی، و مرکز مشاوره‌اند. این دو عنصر می‌توانند در کنار کلاس درس، زمینه‌های لازم را برای تقویت فرایند یادگیری در دانشگاه فراهم کرده و به دانشجویان کمک کنند تا شیوه‌های یادگیری را در ذهن خود نهادینه کنند و دارای سواد علمی و اطلاعاتی شوند. از این رو، در تحقق هدف نهایی برنامه درسی نقش بسزایی دارند. به همین دلیل، در اغلب دانشگاه‌ها، این مراکز از توجه ویژه‌ای برخوردار بوده و دست‌اندرکاران دانشگاه برای گسترش روزافزون آنها تلاش می‌کنند. به عقیده بسیاری از صاحب نظران مانند کندی^۴ و همکارانش (۱۹۹۴)، در قرن بیست و یکم مسئولان و برنامه ریزان درسی دانشگاه بیش از گذشته باید تلاش کنند، زیرا: در عصر حاضر، مهم‌ترین وظیفه دانشگاه، به‌ویژه در دوره کارشناسی، فراهم کردن زمینه‌های تحقق ایده یادگیری مادام‌العمر است. دانشگاه باید علاوه بر تدارک فرصت‌های یادگیری متنوع و متعدد، در صدد پرورش یادگیرندگان مادام‌العمر باشد. این مؤسسه برای انجام بخش دوم رسالت خود باید تلاش کند دانشجویان را به دانش، نگرش‌ها، و مهارت‌هایی مجهز کند تا انگیزه و توانایی لازم برای تداوم یادگیری را در آنها افزایش دهد^(۱۳). برنامه‌ریزان درسی دوره

کارشناسی برای تدوین برنامه‌هایی که هدف نهایی مذکور را دنبال کند، علاوه بر آنکه به سؤالات متعددی پیرامون هدف، محتوا، روش تدریس، و ارزیابی پاسخ می‌دهند، با توجه به نقش مهم ابزارها، منابع، و خدمات علمی-پژوهشی ارائه شده در محیط دانشگاه به دانشجویان و اعضای هیئت علمی در تحقق هدف برنامه، برای پاسخ به این سؤال‌ها نیز باید تصمیمات مناسبی بگیرند: چه نوع خدمات علمی - پژوهشی باید به دانشجویان ارائه داد تا توانایی و انگیزه تداوم یادگیری در آنها رشد یابد؟ مراکز ارائه دهنده این خدمات چه وظایفی در این زمینه برعهده دارند؟ برای تجهیز دانشجویان به دانش، نگرش‌ها، و مهارت‌های لازم برای تداوم یادگیری، از چه منابع و ابزارهایی باید استفاده کرد؟ در پژوهش حاضر این سؤال‌ها مطرح و تلاش شده تا پاسخ مناسبی برای آنها فراهم شود.

بنابراین، در بخش اول، ابتدا برخی مطالعات و نتایج پژوهش‌های انجام شده در سطح جهان^۵ در زمینه انواع مراکز یا واحدهای خدمات علمی-پژوهشی دانشگاهی و آنچه آنها می‌توانند برای کمک به دانشجویان انجام دهند تا یادگیرنده مادام‌العمر شوند معرفی می‌شود. سپس، دیدگاه‌های مطرح شده از سوی صاحب‌نظران سایر کشورها درباره منابع و ابزارهای مناسب برای تحقق هدف مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از آن در بخش یافته‌های پژوهش، دیدگاه‌های صاحب‌نظران داخلی درباره موضوعات مذکور بررسی و تجزیه و تحلیل خواهد شد.

4. Candy

۵. لازم به یاد آوری است پس از جست‌وجوی بسیار پیرامون پژوهش‌های انجام شده در سطح جهان درباره منابع و خدمات علمی-پژوهشی مورد نیاز دانشگاه برای تحقق یادگیری مادام‌العمر، به تعداد محدودی از آنها دست یافتیم. در سطح کشور نیز تا کنون تحقیقی پیرامون این موضوع انجام نشده و پژوهش حاضر اولین قدم در این زمینه می‌باشد.

۱. خدمات علمی- پژوهشی

به عقیده صاحب‌نظران، خدمات ارائه شده از سوی کتابخانه و مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه و یادگیری در پرورش دانش‌آموختگانی که یادگیرنده مادام‌العمر می‌باشند نقش بسزایی دارد. از نظر ایشان نحوه فعالیت این مراکز باید به صورت زیر باشد:

۱-۱. کتابخانه

در گذشته، کتابخانه دانشگاهی تنها به عنوان مخزنی برای نگهداری مجموعه کتاب‌ها تلقی می‌شد و در فرایند آموزش و یادگیری نقش حاشیه‌ای داشت. در سال‌های اخیر، تأکید بر رسالت دانشگاه مبنی بر پرورش یادگیرنده مادام‌العمر و قوت گرفتن این اندیشه که یادگیری نمی‌تواند تنها در کلاس درس صورت گیرد، بلکه هر موقعیت یا مکانی که یادگیری را تسهیل کند یک مکان یادگیری به‌شمار می‌رود، وجهه کتابخانه‌ها را به عنوان محیطی برای یادگیری و نهادی برای آموزش بهبود بخشیده است (۲: ۵). به بیانی بهتر، همان‌طور که استوفل^۶ و ویلیامز^۷ اظهار داشته‌اند شرایط مذکور موجب پذیرفتن این تفکر شده است که "در قرن بیست و یکم، مؤسسات آموزش عالی موفق، یادگیری محورند. در این مؤسسات، کتابخانه‌های دانشکده‌هایی موفق‌اند که دانشجویان را به مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر مجهز می‌کنند. بدین جهت، کتابداران این قرن باید مدیران دانش شوند و وظایف متنوع و گسترده‌ای را بر عهده گیرند" (۱۷: ۶۳). کندی و همکارانش بر اساس یافته‌های پژوهش کیفی وسیع خود در دانشگاه‌های استرالیا شامل بررسی

اسناد و مدارک و مصاحبه، مسئولیت‌های زیر را برای کتابداران فهرست کرده‌اند:

- تدارک کمک فوری برای دانشجویان، کارکنان، و سایر مراجعان در یافتن محل اطلاعات و دسترسی به آنها؛

- تدارک خدمات آموزشی برای مراجعان در تمام سطوح و در تمام ابعاد سواد اطلاعاتی شامل آموزش و نمایش طرز کار با مواد چاپی از قبیل رساله‌ها، کتاب‌های راهنما، کتاب‌های تمرین، و بسته‌های خودآموزی که برای گروه‌های خاصی از خوانندگان تهیه شده‌اند به صورت فرد به فرد یا گروهی؛

- راهنمایی مسئولان کارگاه‌ها در مورد پیشرفت‌های فناوری جدید در ذخیره و بازیابی اطلاعات؛

- ارائه راهنمایی در طراحی برنامه درسی به منظور تقویت یادگیری خودرهبر^۸ و منبع محور^۹؛

- مشارکت در تدوین دوره‌هایی که سواد اطلاعاتی را با محتوا و طراحی برنامه درسی پیوند می‌دهد؛

- تدارک برنامه‌های آشنایی با موقعیت و مبادله اطلاعات و منابع با سایر کتابخانه‌ها؛

- نگهداری و توسعه مجموعه منابع؛ و

- تدارک بانک‌های اطلاعاتی و الکترونیکی، بسته‌های نرم‌افزار رایانه‌ای، و مواد درسی برای اهداف خاص (۱۳: ۱۷۲).

وظایف مذکور را می‌توان به سه دسته کار با دانشجویان، کار با اعضای هیئت علمی، و کار با جامعه تقسیم کرد. با توجه به ضرورت همکاری کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی با دانشجویان و اعضای هیئت علمی، در ادامه

6. Stotfle

7. Williams

8. Self-directed Learning

9. Resource-directed Learning

مقاله چگونگی کار آنها با این دو گروه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کار با دانشجویان. گسترش منابع اطلاعاتی و امکان مبادله اطلاعات، به کتابخانه‌ها کمک کرده تا از حالت انبار کتاب به تسهیل‌کننده دسترسی به اطلاعات تبدیل شوند. واضح است استفاده از اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها، نیازمند مهارت‌هایی است که امروزه آن را سواد اطلاعاتی^{۱۰} می‌نامند. بنابراین، همان‌طور که اسدی براساس مرور ادبیات موجود درباره نقش پژوهشی دانشگاه، اظهار می‌دارد، امروزه، تربیت کسانی که سواد اطلاعاتی دارند، از جمله چالش‌های اصلی کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی به شمار می‌رود (۶:۲). در نتیجه، یکی از مهم‌ترین اهداف خدمات و برنامه‌هایی که کتابخانه‌های دانشگاه ارائه می‌دهند، باید دستیابی دانشجویان به سواد مذکور باشد. در گزارش پژوهش‌کنندگی و همکارانش نیازهایی از قبیل موارد ذیل برای دانشجویان جهت کسب سواد اطلاعاتی مورد تأکید قرار گرفته است:

- درک ماهیت جامعه اطلاعاتی؛
- درک و توانایی تشخیص نیازهای اطلاعاتی، یافتن محل، بازیابی، ارزیابی، و ترکیب اطلاعات مورد نیاز؛
- کسب مهارت‌های ارتباطی، شامل توانایی برقراری ارتباط با همکاران و متخصصان در اطلاعات؛
- کسب دانش عمیق درباره منابع اطلاعاتی، شامل مدارک مربوط به شبکه‌های ارتباطی و استراتژی‌های استفاده از آنها؛
- رشد توانایی مدیریت اطلاعات بازیابی شده

از طریق استفاده مناسب از واژه‌پردازها، صفحه گسترده‌ها، و مدیریت نرم‌افزارهای کتاب‌شناسی؛ - کسب آشنایی با سخت‌افزار فناوری اطلاعاتی شامل کتاب‌ها، روزنامه‌ها، ویدئوها، لوح‌های فشرده، رایانه‌ها، و تمام تجهیزات جانبی (۱۳:۱۷۲).

برای تجهیز دانشجویان به این سواد، می‌توان شیوه‌های مختلفی به کار گرفت. اسدی به نقل از گلفاند^{۱۱} اظهار می‌دارد: کتابدار می‌تواند آموزش سواد اطلاعاتی به دانشجو را به شکل فردی به وسیله ارائه کمک‌های اطلاعاتی و آموزشی انجام دهد. وی می‌تواند از ابزارها و مفاهیم رسمی‌تر آموزش طرز استفاده از کتابخانه، همچنین، کتاب‌های راهنمای دانشجو استفاده نماید (۵:۲). سخنرانی درباره معرفی طرز کار کتابخانه و نشان دادن فیلم در مورد نحوه استفاده از کتاب و کتابخانه نیز از جمله موارد دیگر است (۵:۲). در برخی دانشگاه‌ها، برنامه آشنایی با موقعیت و طرز کار کتابخانه به شکل بازدید برای دانشجویان سال اول در شروع سال تحصیلی ارائه می‌شود. البته یافته‌های پژوهش‌ها از جمله پژوهش‌کنندگی و همکارانش حاکی است که در این برنامه‌ها دانشجویان اطلاعات کمی را به خاطر می‌سپارند و تنها هدفی که در این بازدیدها تحقق می‌یابد، آشنایی با وضع ظاهری ساختمان کتابخانه است. محققان پیشنهاد می‌کنند که برنامه‌های آشنایی با کتابخانه باید به طور عملی در درون برنامه درسی گنجانده شوند و به شیوه‌های مختلف برای افراد و گروه‌ها در اندازه‌های مختلف ارائه گردند. واضح است موفقیت این گونه اقدامات و تحقق هدف مذکور

10. Information Literacy

11. Golfand

مستلزم استفاده منظم از این خدمات است و تنها هنگامی این امر انجام می‌گیرد که عضو هیئت علمی انگیزه کافی برای استفاده مؤثر از کتابخانه داشته و با تدریس خوب خود، آن را در دانشجویان نیز به وجود آورده باشد (۵:۲). توجه به این نکته، ضروری است که گاهی دانشجویان کار جست‌وجو در منابع کتابخانه‌ای را جدی نمی‌گیرند، مگر اینکه نتایج پژوهش کتابخانه‌ای آنها به عنوان بخشی از تجارب یادگیری مورد ارزیابی قرار گیرد. به علاوه، همان‌طور که جورج^{۱۱} و همکارانش معتقدند، گاهی کتابداران مسئولیت ارائه سواد اطلاعاتی را برعهده نمی‌گیرند؛ چون اعتقاد دارند که تلاش برای کسب این سواد باید بخش قابل ملاحظه‌ای از چارچوب تجربه یادگیری را تشکیل دهد و با فرایند تدریس و ارزیابی پیوند داده شود (۲۹۸:۱۴). این درحالی است که به گفته کندی و همکارانش در انجام پروژه‌های تحقیقاتی و گروهی، کتابداران می‌توانند برای جست‌وجوی ادبیات و دستیابی به اطلاعات به دانشجویان کمک با ارزشی ارائه دهند. یکی از راهکارهای مناسب برای حل این مشکل تشکیل گروه تحقیقات دانشجویی است که از یک کتابدار خاص کمک می‌گیرد. این فعالیت گروهی، خصوصاً اگر زیر نظر یک عضو هیئت علمی باشد، احتمالاً برای دانشجویان و کتابداران با شور و شوق و انگیزش برای کسب سواد اطلاعاتی همراه خواهد بود (۱۷۳:۱۳).

کار با اعضای هیئت علمی. از دیدگاه یادگیری مادام‌العمر باید سواد اطلاعاتی و یادگیری چگونه یاد گرفتن، محور مشترک عناصر برنامه درسی دوره کارشناسی باشد. بنابراین، انتظار می‌رود در اهداف و مقاصد این دوره،

تجهیز دانشجویان به مهارت‌هایی مانند جست‌وجو در منابع اطلاعاتی گنجانده شده باشد و وظایف دانشجویان و شیوه‌های تدریس و ارزیابی، استفاده از منابع متنوع را تشویق کنند. به گفته اکثر صاحب‌نظران، ایده مذکور نشانگر بروز دو تغییر مهم است: اول اینکه اعضای هیئت علمی باید نقش متفاوت خود را بپذیرند و خود را به عنوان تسهیل‌کننده فرایند یادگیری ببینند؛ تغییر دوم این است که ارتباط میان اعضای هیئت علمی و کتابداران در طراحی و ارائه برنامه‌هایی متناسب با اهداف مذکور تقویت شود. همان‌طور که جورج و همکاران می‌گویند کتابداران با همکاری اعضای هیئت علمی، باید راه‌هایی برای پیوند دادن سواد اطلاعاتی با برنامه درسی جست‌وجو کنند و اعضای هیئت علمی را برای طراحی فعالیت‌های یادگیری که مادام‌العمر و خودرهنر را اشاعه می‌دهند، کمک نمایند (۲۰۸:۱۴). شواهد موجود حاکی است که چنین تغییراتی با مشکل همراه است. طبق نتایج پژوهش کندی و همکارانش، گاهی اعضای هیئت علمی در برابر تغییر نقش، مقاومت می‌کنند. شاید دلیل آن این حقیقت است که برخی از آنان خود سواد اطلاعاتی کمی دارند. دلیل دیگر این است که کتابخانه‌ها و کتابداران نیاز دارند در فرایند یاددهی-یادگیری دوره کارشناسی، خود را همکاران تمام وقت اعضای هیئت علمی بدانند. به همین ترتیب، اعضای هیئت علمی نیز باید از نقش علمی کتابخانه و کتابداران آگاه بوده و آنها را به عنوان عوامل و افرادی که در فرایند یاددهی یادگیری شریکند، بپذیرند (۱۷۷:۱۳).

در نتیجه، طبق نظر جورج و همکاران راهکار

مناسب برای کتابداران آن است که علاوه بر کمک در تدریس و ارزیابی، به اساتید کمک کنند تا از طریق ارتقای شغلی مداوم، مهارت‌های سواد اطلاعاتی را به دست آورند و با کمک فناوری اطلاعاتی با راهبردهای غنی تدریس آشنا شوند. زیرا انواع منابع اطلاعاتی، مانند بانک‌های اطلاعاتی، مجلات الکترونیکی، و شبکه‌های رایانه‌ای می‌توانند برای تدریس بخش‌هایی از محتوای برنامه درسی مورد استفاده قرار گیرند و آشنایی و به کارگیری آنها پیش‌نیازی ضروری برای افزایش کیفیت تجارب آموزشی است (۲۹۸:۱۴). البته آنها تذکر می‌دهند، موفقیت کتابداران در کار مؤثر با اعضای هیئت علمی برای افزایش آگاهی و مهارت دانشجویان در یادگیری خودرهنبر و یادگیری منبع محور، نه تنها به نگرش‌های این کارکنان به تدریس و یادگیری بستگی دارد، بلکه به فرهنگ دانشکده‌هایی که در آن اعضای هیئت علمی، کتابداران، و دانشجویان کار می‌کنند نیز وابسته است.

۲.۱. مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه و یادگیری.

شواهد مربوط به دوره‌های کارشناسی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که طیف وسیعی از دانشجویان در سازگاری با مطالعات دانشگاهی مشکل دارند. بیشتر آنها را دانشجویان جدیدالورود، دانشجویان بزرگسال، افراد دارای نواقص جسمانی و گاه دانشجویانی که از سایر کشورها یا مناطق آمده‌اند، تشکیل می‌دهند. به طور معمول آنها نیازمند راهنمایی درباره شیوه‌های مختلف مطالعه در دانشگاه هستند. در برخی دانشگاه‌ها، مرکز یادگیری یا مرکز مهارت‌های مطالعه وجود دارد. این مرکز با

شیوه‌های مختلف و در سطوح گوناگون، برای رفع این نیاز اقدام می‌کند. با مرور نتایج پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه‌های انگلستان، کناپر و کروپلی^{۱۳} معتقدند این مرکز، مشارکت قابل ملاحظه‌ای در توسعه مهارت‌های یادگیری دارد و دانشجویان با استفاده از آنها می‌توانند بعد از اتمام دوره کارشناسی نیز از فرصت‌های یادگیری بهره‌گیرند (۱۳۵:۱۶). در پژوهش‌های دیگری و همکارانش برخی از راهکارهایی که آنها می‌توانند به کار گیرند نام برده شده که در زیر می‌آید:

- مشغول کردن دانشجویان به صورت فردی و گروهی به فراگیری چگونه یاد گرفتن در دانشگاه به منظور کشف فرایند یادگیری؛

- کمک به دانشجویان برای تبیین و تقویت پیامدهای یادگیری، انتخاب اهداف صحیح، مدیریت زمان، ایجاد عادات مفید مطالعه، و افزایش خودرهنبری در یادگیری؛

- حمایت از یادگیری دانشجو به وسیله تدارک مجموعه‌ای از منابع و هدایت او به سایر امکانات و تجهیزات برای یادگیری از قبیل تسهیلات یادگیری رایانه محور و کتابخانه؛

- ایجاد ارتباط میان فرهنگ‌ها و رشته‌های تحصیلی به وسیله کار فردی و گروهی با دانشجویان بومی و غیر بومی؛

- تلاش برای رفع نیازهای دانشجویان مطابق با رشد آنها به وسیله تدارک خدمات و دسترسی عادلانه به آنها در تمام طول دوره تحصیل در دانشگاه؛ و

- کار با اعضای هیئت علمی به شکل فردی درون کلاس، از طریق برنامه‌های ارتقای کارکنان و از طریق همکاری با پروژه‌های تحقیقی برای

ایجاد درکی بهتر از فرایند تدریس - یادگیری، معرفی رویکردهای تدریس، و شیوه‌های ارزیابی ابداعی، و تجدید نظر در برنامه‌دستی به وسیله همکاری دوجانبه (۱۳:۱۶۰).

در برخی دانشگاه‌ها، مرکز آموزش مهارت‌های یادگیری، برنامه‌هایی برای دانشجویان جدید الورد دانشگاه و جلسات معرفی ویژه‌ای برای دانشجویانی که از سایر کشورها آمده‌اند، همچنین دانشجویان بومی که ممکن است مشکلات فرهنگی یا زبانی داشته باشند، ارائه می‌دهد. به عنوان مثال، در دانشگاه ماردوک^{۱۴} از همه دانشجویان جدید خواسته می‌شود در یک دوره پایه شرکت کنند. محتوای اصلی این دوره، آشنایی با فنون مهارت‌های مطالعه است و عمدتاً مبتنی بر یک رویکرد میان رشته‌ای عرضه می‌شود (۱۳۶:۱۶). در این دانشگاه‌ها، مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه علاوه بر دوره پایه، در طول سال‌های تحصیل نیز به دانشجویان در نوشتن مقاله، اظهار نظر شفاهی، یادگیری حل مسئله، و یادگیری مبتنی بر قرارداد^{۱۵}، از طریق مشاوره‌های فردی و گروهی کمک می‌کند (۱۳:۱۶۲).

همچنین، برنامه‌هایی برای آموزش مهارت‌های مطالعه به دانشجویان خاص مانند دانشجویان بزرگسال ارائه می‌دهد، زیرا اغلب آنها با زمینه‌های شغلی، خانوادگی و اجتماعی، و توانایی‌هایی که تفاوت قابل توجهی با دانشجویان معمول دانشگاه دارند، وارد محیط آموزش عالی می‌شوند. از جمله این برنامه‌ها، ثبت نام مقدماتی از دانشجویان بزرگسال است تا آنها بتوانند آموزش و یادگیری در دانشگاه را قبل از ثبت نام رسمی همراه با مشاوره خاص تجربه کنند (۱۳۶:۱۶).

این دو محقق با بررسی نتایج به دست آمده از این دوره‌ها تأکید دارند علی‌رغم این حقیقت که چنین برنامه‌هایی برای دانشجویان مناسبند، اما تأثیر مثبت کمی بر موفقیت دانشجویان دارند. آنان با اشاره به این نکته که فنون لازم برای یادگیری مستقل، فطری نیستند و باید آموخته شوند، تذکر می‌دهند، هم استادان و هم دانشجویان باید مهارت‌های مورد نیاز برای یادگیری مادام‌العمر را بیاموزند. در نتیجه، توصیه می‌کنند که فرایند تدریس و به‌خصوص شیوه‌ای که برای ارزیابی آموخته‌های دانشجویان استفاده می‌شوند، باید یادگیری مؤثر را تشویق کنند. علاوه بر این، لازم است میان محتوای دوره آموزش مهارت‌های مطالعه و محتوای تعیین شده برای هر یک از موضوعات درسی دوره کارشناسی ارتباط نزدیکی به وجود آید و تسلط دانشجویان بر مهارت‌های مطالعه در برنامه درسی مورد توجه قرار گیرد. این کار باعث می‌شود تا دانشجویان دقت و توجه بیشتری نسبت به محتوای برنامه آموزش مهارت‌های مطالعه داشته باشند و قابلیت پذیرش بیشتری برای آن به وجود آید و در نتیجه، دانشجویان زیادتری در آنها شرکت کنند.

بعد دیگر فعالیت مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه و یادگیری، مربوط به همکاری با اعضای هیئت علمی است. مسئولان این مرکز، با توجه به ارتباط میان مشکلات یادگیری دانشجویان و کیفیت تدریسی که آنها تجربه می‌کنند، در این بخش بر چند محور تأکید دارند:

14. Mardok

15. Contract-based Learning

- تلاش در رفع سوگیری‌ها و پیش‌داوری‌هایی، مانند "تمام مشکلات مربوط به دانشجویان است، شغل من فقط تدریس است، و با همه دانشجویان باید به طور یکسان رفتار شود"؛

- تلاش برای آشنا کردن اعضای هیئت علمی با روش‌های تدریس و رویکردهای یادگیری خودرهبی که تعامل با دانشجو را تشویق می‌کنند و براساس اعتماد و اطمینان متقابل قرار دارند؛ - سعی در تغییر این تصور که آموختن مهارت‌های لازم برای یادگیری و ادامه دادن به آن باید جدای از محتوای معتبر علمی برنامه درسی دوره کارشناسی صورت گیرد؛

- همکاری با اعضای هیئت علمی برای طراحی برنامه‌های درسی به طوری که مهارت‌های یادگیری و شایستگی‌های اساسی مانند مهارت‌های ارتباطی، با محتوای دانش علمی تلفیق شوند؛ و - کمک به اعضای هیئت علمی برای درک تفاوت‌های موجود میان دانشجویان و لزوم مشارکت آنها در فرایند یادگیری، برای فعال‌تر کردن یادگیری دانشجویان و قادر ساختن آنها به ادامه یادگیری پس از فراغت از تحصیل (۱۳:۱۶۳-۱۶۷).

به طور کلی، توجه به این توصیه‌گذاری و همکاری‌های ضروری است که مسئولان این مرکز نیز مانند کتابداران باید به عنوان عضو کامل‌کننده فرایند یاددهی-یادگیری در طراحی برنامه درسی دوره کارشناسی که هدف آن تحقق یادگیری مادام‌العمر است، همکاری کنند و به عنوان عاملی که در فرایند آموختن محتوا نقش مؤثر دارد، مورد مشورت قرار گیرند (۱۳:۱۶۷).

۲. منابع و ابزارهای مناسب

در فرایند برنامه ریزی درسی، برنامه ریزان

تلاش دارند تا درباره وسایل مورد نیاز در فرایند یاددهی-یادگیری و نحوه به کارگیری آنها تدابیر مناسبی اتخاذ کنند، زیرا این وسایل موجبات ارتباط و تعامل میان استاد و دانشجو را فراهم ساخته و در هموار ساختن مسیر یاددهی-یادگیری نقش ارزنده‌ای دارند (۱:۱۲۶). ابزارها و منابع، مبنایی عینی برای تفکر و درک مفاهیم و کسب مهارت‌ها فراهم می‌سازند. آنها دانشجویان را در موقعیت‌های واقعی و تجربی قرار داده و تجاربی را در اختیار آنان قرار می‌دهند که کسب آنها با روش‌های دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود. استفاده از ابزارها و منابع، علاقه فراگیران را نسبت به موضوعات درسی افزایش می‌دهد و در نهایت جریان یادگیری را تسهیل و تسریع کرده و موجبات یادگیری مؤثرتر و پایدارتر را فراهم می‌سازند (۱:۱۲۶-۱۲۸). بدیهی است تدریس خوب و فعال به امکانات و تجهیزات نیاز دارد تا استاد و دانشجو، در موقعیت‌های مختلف از آنها استفاده کرده و با تجربیات غنی، هدف‌های تعیین شده را تحقق بخشند. به طور کلی ابزار و منابعی که استاد و دانشجو در اختیار دارند از عوامل مؤثر در چگونگی تحقق هدف‌های برنامه درسی هستند. در برنامه درسی یادگیری مادام‌العمر نیز این عنصر باید مورد توجه قرارگیرد، زیرا انتخاب و استفاده به موقع و متناسب با موضوع درس از وسایل و امکانات، توجه و علاقه دانشجو را به یادگیری جلب کرده و به او کمک خواهد کرد تا انگیزه و توانایی لازم برای ادامه یادگیری در بقیه دوران زندگی را به دست آورد. ابزارها، شامل طیف وسیعی مانند تخته سیاه، میز تحریر، کلاس درس، رایانه؛ و منابع مانند کتاب، مجلات، جزوه‌ها، و نرم‌افزارهای رایانه‌ای می‌شود. این وسایل، بر اساس زمان ورود آنها به

فرایند تدریس، به دو دسته "ابزارها و منابع سنتی" و "مدرن" قابل تقسیم می‌باشند که در ادامه بحث، توضیحاتی پیرامون آموزش و یادگیری به کمک آنها ارائه می‌شود.

۱.۲. آموزش و یادگیری با کمک ابزارها و منابع سنتی

رایج‌ترین و مهم‌ترین منبع سنتی که در فرایند یاددهی - یادگیری به کار گرفته می‌شود، کتاب است. کمیسیون آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم (۱۳۷۶) در گزارش پژوهش خود به منظور تدوین خط‌مشی‌های آموزش و پرورش در قرن بیست و یک آورده است: "با وجود آنکه کتاب دیگر تنها وسیله یادگیری محسوب نمی‌شود، همچنان جایگاه اصلی خود را حفظ خواهد کرد" (۲۰۵:۱۰). از نظر این کمیسیون، دلیل آن، این است که کتاب همچنان ارزان‌ترین منبع و آسان‌ترین به لحاظ استفاده است. کتاب، درس استاد را بازنمایی می‌کند و در عین حال به دانشجو امکان بازنگری آموخته‌های خود را می‌دهد و در کسب استقلال نیز وی را یاری می‌کند (۲۰۵:۱۰). البته به گفته شعاری‌نژاد (۱۳۷۵) باید توجه داشت کتاب برای استاد تنها یک وسیله است نه هدف، زیرا کتاب تنها نقش راهنما را دارد و فقط یک منبع در میان سایر منابع است. همچنین، کتاب تمام علوم و معارف بشری را دربرنمی‌گیرد. به علاوه، دانشجو فقط از راه کتاب درسی و استاد یاد نمی‌گیرد، بلکه بیشتر معلوماتش را از منابع گوناگون و آزاد به دست می‌آورد. به عبارت دیگر، کتاب درسی نمی‌تواند تمام حقایق علمی را در اختیار استاد و دانشجو

قرار دهد، لذا قادر نیست جانشین تلاش و کشف شخصی آنان شود (۶: ۶۰۹-۶۱۰). همان‌طور که ملکی می‌گوید از آنجا که دانش موجود به زودی منسوخ می‌شود، کتاب‌ها باید به آموختن روش کاوشگری پرداخته و صلاحیت مواجهه با مسائل زندگی را در دانشجو پرورش دهند (۸: ۱۸۵-۱۸۶).

علاوه بر کتاب، از جمله منابع با ارزش در هر فرایند یاددهی - یادگیری معلم یا استاد است. امروزه این خطر احساس می‌شود که با ورود فناوری‌های اطلاعاتی، نقش استادان نادیده گرفته شود، درحالی‌که ورلیندن و لپلتاک^{۱۶} معتقدند رایانه هرگز نمی‌تواند جانشین استاد باشد، ولی می‌تواند نقش او را تغییر دهد (۳۶۲:۱۱). در عصر حاضر همان‌طور که یونسکو یادآوری می‌کند، وظیفه استاد منحصرأ تدریس محتوای تعیین شده نیست، بلکه آموزش چگونگی جست‌وجو، ارتباط و ارزیابی حقایق و اطلاعات را نیز شامل می‌شود (۲۰۵:۱۰). سایر منابع و ابزارهای سنتی موجود در محیط دانشگاه مانند تخته سیاه و میز و صندلی نیز در کم و کیف یادگیری مؤثرند. البته به گفته صاحب‌نظران، جذابیت، کیفیت، و تناسب آنها با نیازها، در میزان استفاده دانشجو از آنها تأثیرگذار است. بنابراین، بدون هیچ بحثی می‌توان پذیرفت که ابزارهای سنتی نقش مهمی را در تحقق یادگیری مادام‌العمر برعهده خواهند داشت.

۲ - ۲. آموزش و یادگیری با کمک ابزارها و منابع مدرن

شواهد موجود حاکی است که در سال‌های

اخیرتعداد زیادی از ابزارها و منابع جدید مانند ریزفیلم، اسلاید، ویدئو، و رایانه برای بهبود فرایند یاددهی - یادگیری تهیه و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از دیدگاه یادگیری مادام‌العمر در میان این ابزارها و منابع، رایانه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. درباره دلایل آن کندی و همکاران معتقدند اولین دلیل آن است که مقدار اطلاعات قابل دسترس در تمام رشته‌ها، به طور تصاعدی افزایش یافته است و رایانه در دسترسی به آنها کمک می‌کند. دومین دلیل این است که رایانه به خودی خود بسیار توانا، کم حجم، چند کاربردی، و علاوه بر آن کاربر پسندتر از گذشته است و برای کاربرانی که آگاهی‌های فنی ندارند، کار با آن آسان است. سومین دلیل، این است که رایانه‌ها می‌توانند به وسیله انجام کارهایی که برای استادان تکراری، مشکل، یا ناخوشایند است، فرایند یادگیری را به شکلی واقعی به پیش برند. چهارمین دلیل و شاید ضروری‌ترین دلیل آن است که رایانه جای خود را در بسیاری از مشاغل باز کرده است و افراد برای پیدا کردن شغل و کسب موفقیت در آن به دانش و سواد استفاده از رایانه نیاز دارند (۱۳).

درباره اهمیت رایانه در یادگیری، کندی و همکاران معتقدند، مزیت کار با رایانه‌ها، توانایی آنها در تقویت فرایند یادگیری در دانشجویان است. رایانه‌ها می‌توانند مهارت‌های حل مسئله دانشجویان و فهم آنها از مواد درسی را رشد دهند، اجازه می‌دهند یادگیرنده کنترل بیشتری داشته باشد، سطح تعامل ممکن میان دانشجو و مواد درسی و کاربرد فضای الکترونیکی در میان دانشجویان را افزایش می‌دهند، فرایند

یادگیری را مشخص، و ترکیبی از تجارب یادگیری را ایجاد می‌کنند. با افزایش آگاهی دانشجویان از انواع منابع و تسهیلات دانشگاهی، از شروع تا پایان دوره، دانشجویان به اهمیت کسب اطلاعات روزآمد پی می‌برند (۱۳:۱۶۸). نتایج پژوهش واترستون^{۱۷} شامل مرور ادبیات موجود درباره رهاوردهای ایده یادگیری مادام‌العمر برای نظام آموزشی حاکی است، توان موجود در یادگیری با کمک رایانه، به دانشجویان و استادان کمک می‌کند تا روش‌های متداول تدریس را تقویت کنند. همچنین، در شکل گرفتن ایده‌ها و تجارب جدید در تدریس و یادگیری در دانشگاه نقشی اساسی دارد (۱۳:۱۸).

کناپر و کروپلی نیز اشاره دارند، استفاده از رایانه در تدریس به دانشجویان اجازه می‌دهد یادگیرندگان فعالی شوند. همچنین، اجازه انفرادی بودن در یادگیری و امکان کنترل بیشتر بر تجربه یادگیری را فراهم می‌کند. در نتیجه، می‌تواند به انگیزش، کاهش ناامیدی، افزایش دقت و افزایش موفقیت تحصیلی منجر شود (۱۴:۱۶). البته همان‌طور که آنها تذکر می‌دهند، در عمل میزان فعال بودن یادگیرندگان و انفرادی بودن یادگیری به کمک رایانه، به طور قابل ملاحظه‌ای از یک موقعیت به موقعیت دیگر متفاوت است. در مجموع، امروزه همان‌طور که گرین^{۱۸} می‌گوید "نه تنها رایانه‌ها، اینترنت یا شبکه‌های جهانی، بلکه مجموع فناوری‌ها در تمام ابعاد زندگی روزمره تفاوت‌هایی را ایجاد کرده است. مشتریان آموزش عالی که دانشجویان سنین ۱۷ تا ۶۷ ساله را شامل می‌شوند انتظار دارند درباره این فناوری‌ها یاد بگیرند و دروس خود را با کمک

17. Watterston

18. Green

آنها بیاموزند" (۱۳۹:۱۶).

بر اساس دلایل مذکور می‌توان گفت در هزاره سوم هیچ دانش‌آموخته‌ای نمی‌تواند تحصیل کرده شایسته تلقی شود، مگر اینکه تا حدی سواد رایانه‌ای را کسب کرده باشد (۱۶۸:۱۳). بنابراین، انتظار می‌رود آشنایی با این فناوری در دانشگاه یا حتی زودتر از آن شروع شود.

به دلیل فواید متعددی که بهره‌برداری از رایانه به عنوان قسمتی از فرایند تدریس در دوره کارشناسی برای دانشجویان و استاد دارد، مبالغه در تقاضا برای استفاده از رایانه به شیوه نامناسب صحیح نیست. نباید رایانه را به عنوان راه‌حلی برای حل تمام مسائل و مشکلات آموزش و یادگیری در دانشگاه پنداشت، بلکه باید از قابلیت‌های این وسیله به عنوان یک منبع یادگیری جدید استفاده کرد (۱۱: ۳۶۲-۳۶۳).

کرکا^{۱۹} هشدار می‌دهد، این تصور غلط است که شبکه جهانی یا اینترنت برای تمام نیازهای اطلاعاتی کافی است و یاراز مدیریت اطلاعات، دانستن چگونگی هدایت شبکه است. بنابراین، استفاده‌کنندگان (دانشجویان و استادان) باید در اعتماد به منبع اطلاعاتی احتیاط کنند و مهارت‌های انتقادی مورد نیاز برای ارزیابی صحت اطلاعات در خود را به عنوان یادگیرندگان مادام‌العمر توسعه دهند. مریان می‌تواند برای یادگیرندگان توضیح دهند که کلید مدیریت اطلاعات، خودرہبری است که شامل مواردی از قبیل شناسایی اطلاعات مورد نیاز، پالایش و نشر اطلاعات خود، و چشم‌انداز عمیق و گسترده برای کسب آن است. (۱:۱۵). طبق نظر اسکوا^{۲۰} استفاده از فناوری‌های جدید، انگیزش دانشجویان

را تضمین نمی‌کند، لذا به‌کارگیری آن باید به گونه‌ای انجام گیرد که مستلزم به‌کارگیری مهارت‌های اساسی دانشجویان باشد و در این صورت است که آنان را به چالش وامی‌دارد (۲۵۷:۱۲). توجه به این واقعیت‌ها دو نکته را روشن می‌کند: اول آنکه، همچون گذشته، استادان برای آنکه در سرمایه علمی جامعه سهم شونند باید به سازماندهی و تحکیم موقعیت خود پردازند. لذا باید با تسلط کامل استفاده از ابزارها را فراگیرند و آنها را به دانشجویان آموزش دهند (۲۰۵:۱۰). دوم آنکه، اگرچه ظهور فناوری‌های اطلاعاتی که به سرعت در حال رشد و پیچیده شدن هستند، فرایند یاددهی - یادگیری در دانشگاه را تا حد زیادی دگرگون کرده است (۹: ۱۱۰-۱۱۱)، اما همچنان لازم است فناوری‌های جدید همراه با ابزارهای سنتی به کار برده شوند، زیرا همان‌طور که شواهد نشان می‌دهد فناوری‌های جدید به‌تنهایی در یافتن راه حل‌هایی برای مشکلاتی، از قبیل کاهش انگیزه یادگیری، معجزه نمی‌کنند. فناوری مدرن را باید همراه با روش‌ها و وسایل سنتی به کار برد و نباید آنها را جانشین تمام عیاری برای این روش‌ها و وسایل دانست (۱۹۹:۱۰).

روش پژوهش

آنچه بررسی شد نتایج پژوهش‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران سایر کشورهاست، اما همان‌طور که بسیاری از نویسندگان و مؤسسات بین‌المللی تذکر داده‌اند، لازم است برنامه‌ریزان درسی در هر کشور برای تدوین برنامه‌ای با رویکرد یادگیری مادام‌العمر شرایط و مقتضیات جامعه

19. Kerka

20. Askov

خود را مدنظر قرار دهند. بنابراین، هرگونه تلاش برنامه‌ریزان درسی دانشگاه‌ها در کشور ما در این زمینه مستلزم بررسی دقیق و همه‌جانبه دیدگاه‌های صاحب‌نظران داخلی است. بر اساس این ضرورت، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی انجام شد، زیرا این نوع تحقیق پژوهشگر را در بررسی عمیق و کسب اطلاعات دست اول درباره موضوع تحقیق یاری می‌دهد. بدین ترتیب، وی می‌تواند درباره اطلاعات جمع‌آوری شده توصیف‌های تحلیلی، ادراکی، و طبقه‌بندی شده‌ای ارائه دهد (۳: ۲۰۳). با توجه به اینکه این پژوهش در صدد بررسی نظرات اعضای هیئت علمی درباره موضوع تحقیق بود از روش توصیفی استفاده شد، زیرا هدف این روش توصیف عینی، واقعی، و منظم موضوع است (۵: ۴۱).

جامعه آماری، کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی وابسته به آموزش عالی در دو شهر تهران و اصفهان هستند که در موضوعات آموزش مداوم، آموزش بزرگسالان و برنامه‌ریزی درسی، تدریس کرده یا صاحب تألیفاتی هستند. با بررسی متون فارسی درباره نویسندگان و صاحب‌نظران سه موضوع ذکرشده و نظرخواهی از دست‌اندرکاران آموزش عالی (روش زنجیره‌ای)^{۲۱}، افراد جامعه پژوهش که ۷۶ نفر بودند، شناسایی شدند. این نوع شناسایی افراد، از روش‌های کیفی هدفمند است که در آن ملاک مورد نظر برای انتخاب افراد، تخصص، تجربه، و اطلاع آنان از موضوع پژوهش بوده و قصد آن است که از طریق افراد انتخاب شده درک عمیقی از موضوع مورد مطالعه

حاصل شود (۷: ۳۸۹). سپس، با ارسال دو نامه با فاصله زمانی یک ماه، از همه آنان درخواست همکاری شد. سرانجام با پیگیری‌های متعدد ۲۱ نفر از آنها برای همکاری داوطلب شدند.

دیدگاه‌های این نمونه، با ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شده، زیرا در این نوع مصاحبه محقق سؤالاتی را از قبل تهیه می‌کند، اما در موارد لازم در حین انجام مصاحبه امکان جمع‌آوری اطلاعات بیشتر و عمیق‌تر وجود دارد (۷: ۵۳۲). برای این منظور بر اساس مطالعات انجام شده در ادبیات تحقیق سه سؤال باز تهیه شد و روایی محتوای آنها توسط چند تن از استادان دانشکده علوم تربیتی و دانشجویان دوره دکترا تأیید شد. مصاحبه‌های حضوری در ماه‌های آبان تا اسفند ۱۳۸۱ انجام شده و مدت آنها از ۳۰ تا ۸۵ دقیقه است. برای بالا رفتن میزان اعتبار و پایایی مصاحبه‌ها محقق قبل از شروع، به مطالعه عمیق توصیه‌های مربوط پرداخت و با انجام مصاحبه به صورت آموزشی، تلاش کرد آنها را هنگام مصاحبه رعایت کند.

متن مصاحبه‌ها با توافق مصاحبه‌شوندگان ضبط شد. سپس متن‌ها پیاده و تغییرات جزئی در جمله‌بندی آنها اعمال شد. برای اطمینان از صحت و اعتبار داده‌ها، متن‌های اصلاح شده به مصاحبه‌شوندگان باز گردانده و خواسته شد تا هرگونه اصلاح و تغییر یا تجدیدنظری دازند اعلام کنند. سرانجام ۱۱ متن با اصلاحات جزئی برگشت داده شد. با توجه به اینکه تذکر داده شد عدم بازگشت به منزله صحت متن تلقی می‌شود، تمام ۲۱ متن با روش مقوله‌بندی^{۲۲} تجزیه و تحلیل

۲۱. روش زنجیره‌ای در تحقیق کیفی روشی است که در آن محقق با افراد مشورت می‌کند تا آنها موارد مناسب تحقیق را معرفی کنند. ممکن است تمام یا برخی از موارد معرفی شده، در نمونه گنجانده شوند (۷: ۳۹).

۲۲. مقوله‌بندی عبارت است از عمل طبقه‌بندی عناصر تشکیل‌دهنده یک مجموعه [محتوای متن مصاحبه] به وسیله تمایز و گروه‌بندی بر اساس شباهت و ملاک‌های از قبل تعیین شده (۴: ۱۳۵).

شدند. بدین ترتیب که ابتدا متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شده و در مقوله‌هایی دسته‌بندی شدند، سپس، با مرور دوباره متن‌ها و مقوله‌ها توسط همکاران پژوهش، سرانجام دیدگاه‌های مطرح شده بر اساس دو مقوله اصلی "خدمات علمی-پژوهشی" و "ابزارها و منابع مناسب" دسته‌بندی شد. هر مقوله، خود به مقوله‌های فرعی تقسیم شد. در تجزیه و تحلیل این مقوله‌ها از نقل قول مستقیم و غیرمستقیم استفاده شد و برای رعایت اصل محرمانه ماندن، مصاحبه‌شوندگان کدگذاری شدند. این کدها هنگام درج نقل قول مستقیم مورد استفاده قرار گرفت تا مصاحبه‌شوندگان قابل شناسایی نباشند.

یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که توضیح داده شد، هدف این پژوهش بررسی این مسئله است که چه نوع خدمات علمی-پژوهشی و منابع و ابزارهایی لازم است تا توانایی و انگیزه تداوم یادگیری در دانشجویان رشد پیدا کند. لذا یافته‌های پژوهش در دو قسمت با عنوان "خدمات علمی پژوهشی" و "ابزارها و منابع" به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف. خدمات علمی-پژوهشی

یکی از رسالت‌های دانشگاه ارائه خدمات علمی-پژوهشی به جامعه، دانشجویان، استادان، و سایر دست‌اندرکاران دانشگاه است. صاحب‌نظران شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها تأیید کردند که وجود خدمات علمی-پژوهشی، در واقع پشتیبان یادگیرنده مادام‌العمر شدن است و نقشی حیاتی در این فرایند دارد، زیرا اگر برنامه‌ریزی درسی صحیحی با هدف پرورش انگیزه پژوهش، استفاده از منابع و دنبال کردن

مطالعه در دانشجویان انجام گیرد، اما خدمات علمی-پژوهشی، از قبیل کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی، وجود نداشته باشد این برنامه نمی‌تواند با موفقیت اجرا شود. همان‌گونه که مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ می‌گوید: "این خدمات در فراهم ساختن محیط یادگیری غنی و امکان دسترسی به فرصت‌های یادگیری برای کلیه دانشجویان می‌تواند نقش مهمی داشته باشند". علاوه بر این، خدمات علمی-پژوهشی مکمل روش‌های تدریس هستند. همان‌طور که چهار نفر (۲۰ درصد) از مصاحبه‌شوندگان تذکر می‌دهند، هنگامی که استاد روش پژوهش را برای افراد توضیح می‌دهد و به آنها می‌گوید چگونه از کتاب‌ها و منابع، اطلاعات لازم را به دست آورند، اما اگر چنین مواردی در کتابخانه وجود نداشته باشد، در واقع تدریس نتیجه لازم را در پی نخواهد داشت.

انواع خدمات علمی-پژوهشی که وجود آنها از نظر مصاحبه‌شوندگان وجود آنها در دانشگاه لازم و ضروری است، عبارتند از: خدمات کتابخانه‌ای، خدمات مرکز اطلاع‌رسانی، خدمات مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه، خدمات مشاوره‌ای، و ایجاد تشکل‌ها و انجمن‌های علمی و حرفه‌ای که در ادامه توضیحاتی درباره آنها ارائه می‌شود.

خدمات کتابخانه‌ای. دوازده نفر (۶۰ درصد) از مصاحبه‌شوندگان تأکید کردند خدمات ارائه شده از سوی کتابخانه‌های دانشگاه، در حیطه یادگیری مادام‌العمر نقش مؤثری داشته و باید این مراکز بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند و به توسعه خدمات خود بپردازند. طبق نظر این افراد، کتابخانه‌ها باید علاوه بر حفظ شکل سنتی خود، یعنی نگهداری کتاب و مواد چاپی، به

خدمات رایانه‌ای هم مجهز شوند و به ارائه خدمات از طریق شبکه اطلاع‌رسانی بپردازند، به طوری که دانشجویان بتوانند حتی بدون حضور در دانشگاه از خدمات آنها بهره‌مند شوند. از توصیه‌های دیگر این عده از مصاحبه‌شوندگان آن است که کتابخانه‌ها به مجلات و کتاب‌های علمی و مناسب تجهیز شوند، خط‌مشی‌های مربوط به استفاده از کتابخانه مانند قوانین و مقررات امانت کتاب تسهیل شده و آنها در ساعات مختلف و حتی در روزهای تعطیل و تعطیلات تابستان باز باشند.

همچنین، فراهم کردن شرایط لازم برای تبدیل کتابخانه‌های دارای سیستم دسترسی بسته به کتابخانه‌هایی با سیستم دسترسی باز نیز از مواردی است که می‌تواند به این مراکز کمک کند تا نقش مؤثر خود را ایفا نمایند. مصاحبه‌شونده شماره ۶ با تأکید بر این مطلب توضیح می‌دهد: "همین که دانشجو داخل کتابخانه برود، در قفسه‌ها جست‌وجو کند و کتاب‌ها را ورق بزند خود نوعی مطالعه است. این مطالعه، ممکن است انگیزه یادگیری بیشتر را در او ایجاد کند." مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند کتابخانه‌ها می‌توانند با اجرای برنامه‌های آشناسازی با کتابخانه، به عنوان بخشی از درس و راهنمایی دانشجویان در یافتن منابع مورد نیازشان، به کامل شدن فرایند یاددهی - یادگیری کمک کنند و زمینه افزایش علاقه، انگیزه، و توانایی انجام پژوهش در دانشجویان را فراهم کنند. مصاحبه‌شونده شماره ۲ با تأکید بر این نکته که در حیطه یادگیری مادام‌العمر کتابخانه‌های دانشگاه نقش مهمی دارند، ادامه می‌دهد "کتابخانه‌ها باید مجهز باشند یعنی کتاب‌ها و مجلات مورد نیاز را داشته باشند. همیشه به

روی دانشجویان باز باشند و به دانشجویان راه استفاده از مآخذ و چگونگی دسترسی به آنها و مطالعه آنها را یاد بدهند."

در میان عوامل و اجزای کتابخانه، کتابداران نقش مهمی دارند. آنها باید افراد متخصصی باشند که دلسوزانه مراجعه‌کنندگان را راهنمایی می‌کنند تا منابع مورد نیازشان را پیدا کنند و در صورت نبودن، آنها را راهنمایی می‌کنند تا در کتابخانه‌های دیگر، به جست‌وجوی آنها بپردازند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ درباره نقش کتابداران اظهار داشت: "ما بیش از برنامه‌های آشناسازی با کتابخانه و ارائه جزوه‌هایی درباره آن، به وجود کتابدارانی نیاز داریم که بتوانند به خوبی دانشجویان را راهنمایی کنند، این راهنمایی به دانشجو کمک می‌کند تا در عمل نحوه استفاده از خدمات کتابخانه را یاد بگیرد."

خدمات مرکز اطلاع‌رسانی. ده نفر (۵۰ درصد) از مصاحبه‌شوندگان گسترش مراکز اطلاع‌رسانی و افزایش خدمات آنها برای دانشجویان را توصیه کردند. از نظر ایشان، داشتن سواد اطلاعاتی یکی از ضرورت‌های انسان امروز و شرط لازم برای تداوم یادگیری است. لذا گسترش این مراکز در سطح دانشگاه و توانایی دسترسی دانشجویان به خدمات این مراکز ضرورت قابل توجهی دارد. آنها تأکید کردند این مراکز بخش مهمی از منابع اطلاعاتی را در اختیار دارند و می‌توانند فرایند یادگیری را کامل کنند. آنها باید دانشجویان را با مهارت‌های استفاده از رایانه و جست‌وجو در شبکه جهانی آشنا سازند و به آنها کمک کنند تا به راحتی از منابع اطلاع‌رسانی استفاده کرده و از طریق آنها به یادگیری خود ادامه دهند. ارائه آموزش‌هایی از قبیل کار با رایانه، یکی از وظایف مهم این مراکز است.

خدمات مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه. پنج نفر (۲۵ درصد) از مصاحبه‌شوندگان تأکید کردند ایجاد مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه می‌تواند نقش مهمی داشته باشد. این مرکز برای آشناسازی دانشجویان با مهارت‌های مطالعه، شیوه برقراری ارتباط با دیگران، و پرورش توانایی تفکر و خلاقیت در دانشجویان، باید فعالیت‌هایی را انجام دهند. ایشان تأکید کردند، این مرکز می‌تواند به استادان کمک کند تا با شیوه‌های مناسب تدریس و روش‌های مؤثر ارزیابی آشنا شوند. مصاحبه‌شونده شماره ۳ معتقد است: "مراکزی مانند مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی که اکنون در دانشگاه‌های علوم پزشکی وجود دارند باید در تمام دانشگاه‌ها توسعه پیدا کنند. این مراکز می‌توانند در زمینه آشنایی با مواردی مانند اینکه چگونه تحقیق کنند و چه روش تدریسی به کار ببرند کمک مؤثری به دانشجویان و اعضای هیئت علمی ارائه دهند." مصاحبه‌شونده شماره ۴ در مورد ضرورت وجود این گونه مراکز اظهار داشت: "وجود مراکزی که جدای از آموزش رسمی بتوانند نیازهای دانشجو در مواردی مثل یادگرفتن مهارت‌های مطالعه، مهارت‌های زندگی، روش‌های مؤثر برقراری ارتباط، و خلاقیت را برآورده کنند، بسیار لازم است. آموختن این مطالب نه تنها برای دانشجویان بلکه برای استادان هم می‌تواند مؤثر و مفید باشد."

خدمات مشاوره‌ای. پنج نفر (۲۵ درصد) از مصاحبه‌شوندگان به ضرورت گسترش خدمات مشاوره‌ای اشاره کرده‌اند. به نظر ایشان این مراکز در راهنمایی دانشجویانی که دارای مشکل هستند، علاقه‌مند به تحصیل نیستند، دچار افت تحصیلی بوده و یا مشروط شده‌اند و

یا آنکه کلاً خواهان اطلاعاتی در مورد سایر مسائل زندگی هستند، نقش مؤثری دارند. این گونه کمک‌ها باعث تقویت انگیزه و علاقه دانشجو به یادگیری و تحصیل می‌شود.

ایجاد تشکلهای و انجمن‌های علمی و حرفه‌ای. یکی از مصاحبه‌شوندگان، تشکیل انجمن‌ها و تشکلهای علمی و حرفه‌ای را پیشنهاد کرد. به اعتقاد وی، عضویت در این انجمن‌ها باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموختگان نیز بتوانند عضو آنها شوند. این عضویت باعث می‌شود تا افراد، پیوسته در جریان تحقیقات و اطلاعات قرار گیرند. ارسال نشریات و جزوات و برگزاری جلسات انجمن افراد را وادار می‌کند به مطالعه منابعی که در اختیار آنها گذاشته شده بپردازند. همچنین، عضویت در این تشکلهای نوعی اعتماد به نفس به فرد می‌دهد، زیرا او خود را عضو گروهی می‌داند که در جامعه کار با ارزشی انجام می‌دهد (فرد شماره ۱۳، بهمن ۸۱). برگزاری همایش و کارگاه آموزشی با مشارکت انجمن‌های علمی یکی دیگر از مواردی بود که دو نفر (۱۰ درصد) از مصاحبه‌شوندگان وجود آنها را برای تحقق هدف یادگیری مادام‌العمر، لازم و ضروری دانستند. به نظر ایشان وجود این خدمات فضا را با چالش فکری و علمی توأم می‌کند و دانشجویان را با مباحث علمی مختلف درگیر می‌سازد. مشارکت دانشجویان در برنامه‌ریزی و مدیریت همایش‌ها و کنفرانس‌ها، آنها را به سوی طلب علم و محقق بودن هدایت خواهد کرد.

البته به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان، لزوم وجود و گسترش این خدمات به معنی نادیده گرفتن مراکز و خدمات موجود در محیط دانشگاه و ایجاد مراکز جدید نیست، بلکه به جای افزایش

بی‌رویه و ایجاد مراکز جدید، لازم است بابه‌کارگیری برنامه‌ریزی صحیح و استفاده از کارکنان ماهر، استفاده بهینه از منابع و مراکز موجود در سرلوحه کارها قرار گیرد و از آنها به خوبی استفاده شود (فرد شماره ۷، آبان ۸۱).

ب. ابزارها و منابع مناسب

وجود ابزارها و منابع و به‌کارگیری صحیح آنها یکی از عوامل مهم در فرایند یاددهی و یادگیری بوده و به طور کلی تسهیل‌کننده و پیشبرنده آن است. طبق نظر همه مصاحبه‌شوندگان وجود ابزارها و منابع مهم است، زیرا روش‌های یادگیری به آنها وابسته‌اند. به عنوان مثال، در روش یادگیری مبتنی بر حل مسئله، وجود منابع علمی، کتابخانه غنی، و دسترسی به شبکه جهانی نقش مهمی دارد. علاوه بر این، استفاده از ابزارهایی مانند پروژکتور و رایانه کمک می‌کند تا محتوای درس از طریق به‌کارگیری همزمان حواس شنوایی و بینایی و نوشتن دریافت شود. شواهد نشان می‌دهد هنگامی که چند حس در یادگیری دخالت داشته باشند، سطح یادگیری بالاتر می‌رود. طبق نظر مصاحبه‌شونده شماره ۶ دانشجو بدون وسیله نمی‌تواند موفق شود، همان‌طور که وسیله نیز نمی‌تواند تنها عامل موفقیت او باشد. در یک دید وسیع می‌توان گفت دانشجو بدون وجود استاد و ابزار معنایی ندارد.

ابزارها و منابع طیف وسیعی اعم از میز، صندلی، و وسایل سمعی و بصری، و فناوری‌های جدید اطلاعاتی را شامل می‌شوند و هرگونه نقصی در آنها می‌تواند یادگیری را دچار مشکل کند. بنابر این، از ابزارهای مختلفی می‌توان استفاده کرد که انتخاب آن بستگی به ماهیت درس دارد. برای مثال، در برخی درس‌ها استفاده از کتاب و نوشته‌های مکتوب بسیار لازم است.

در حالی که در برخی دیگر، منابع الکترونیکی را می‌توان بیشتر استفاده کرد. مصاحبه‌شوندگان معتقدند، استاد هر درس می‌تواند نوع ابزارها را تعیین کند اما شرط لازم در انتخاب ابزار آن است که اعتبار علمی داشته، پاسخگوی نیازها بوده، و برای دانشجو قابل فهم باشد. بنا بر تأکید هشت نفر (۴۰ درصد) از مصاحبه‌شوندگان، استفاده از مجموعه متنوعی از ابزارها و منابع در طول دوران آموزش کارشناسی برای پرورش توانایی تداوم یادگیری لازم و ضروری است، زیرا این توقع که دانشجو مسئول یادگیری خود باشد و در فرایند یاددهی - یادگیری فعال و پویا عمل کند، بدون دسترسی و توانایی استفاده از منابع و ابزارها توقع به جایی نخواهد بود. علاوه بر این، استفاده از این ابزارها باعث می‌شود تا دانشجو تجربه کار با آنها را به دست آورد و به این صورت توانایی و انگیزه برای استفاده از آنها جهت ادامه یادگیری افزایش خواهد یافت. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ اظهار می‌دارد:

"اگر بتوانیم از ابزارهای متنوع و مواد و رسانه‌های گوناگون استفاده کنیم، یعنی استاد دانشجو را ارجاع بدهد تا همه اینها را به کار ببرد و دانشجوی دوره کارشناسی تجربه استفاده از چند رسانه‌ای‌ها را برای یادگیری بخشی از درس خود به دست آورد، در آینده نزدیک امکان استفاده از این وسایل برای ادامه یادگیری در وی افزایش می‌یابد."

مصاحبه‌شوندگان استفاده از منابع مختلف و متعددی مانند کتاب، به‌ویژه کتاب‌های مرجع، مجلات و منابع علمی، کارگاه، آزمایشگاه، رسانه‌هایی مانند تلویزیون، امکان دسترسی به اسناد معتبر، امکان برقراری ارتباط با افراد و شخصیت‌های علمی را توصیه کرده‌اند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ اظهار داشت "یکی از مهم‌ترین منابع دوستان هستند که اغلب از آنها غفلت می‌شود. لازم است به دانشجویان یاد داده شود که با هم کار کنند و به این ترتیب می‌توانند به عنوان یک منبع اطلاعاتی، از دانسته‌های یکدیگر استفاده کنند." مصاحبه‌شونده شماره ۱۶ نیز تأکید کرد "استاد یکی از منابعی است که اگر از دانش و تخصص و توانایی لازم برخوردار باشد و بتواند به خوبی تدریس کند، می‌تواند اطلاعات تخصصی را در اختیار دانشجویان دهد." ده نفر (۵۰ درصد) از مصاحبه‌شوندگان توصیه کردند علاوه بر ابزارهای فوق باید استفاده از رایانه، اینترنت، و به طور کلی فناوری‌های جدید در اولویت قرار گیرد. برای این ضرورت دلایل متعددی وجود دارد. به عنوان مثال، پنج نفر (۲۵ درصد) از آنان تأکید کردند توانایی جست‌وجو در شبکه جهانی و برقراری ارتباط با افراد و شخصیت‌های علمی و گفت‌وگو با آنها همچنین، توانایی گردآوری و بهره‌برداری از اطلاعات علمی و اسناد و مدارک از طریق فناوری‌های اطلاعاتی مانند اینترنت برای همه افراد، به ویژه متخصصان، محققان، و افرادی که در آموزش عالی مشغول تحصیل هستند ضروری است. علاوه بر آن، به عقیده شش نفر (۳۰ درصد) از مصاحبه‌شوندگان چون در آینده ارائه آموزش و فرصت‌های یادگیری از طریق این منابع افزایش خواهد یافت، توانایی استفاده از آنها باید آموخته شود. به گفته چهار نفر (۲۰ درصد) از مصاحبه‌شوندگان، در جهان به طور گسترده‌ای از این فناوری‌ها استفاده می‌شود و اگر ما بخواهیم در جهان حضور داشته باشیم، باید بتوانیم از این منابع برای رفع نیازهایمان استفاده کنیم. همه مصاحبه‌شوندگان تأکید

کردند که منابع اطلاعاتی الکترونیکی از قبیل رایانه و توانایی دسترسی به شبکه جهانی (اینترنت) باید در سطح دانشگاه افزایش یابد به طوری که همه دانشجویان به راحتی به آنها دسترسی داشته باشند و پرورش توانایی استفاده از آنها باید در فرایند یاددهی - یادگیری مورد توجه قرار گیرد. درباره به کارگیری ابزارها و منابع چهار نفر از مصاحبه‌شوندگان توجه به نکات زیر را ضروری دانستند:

۱. مصاحبه‌شونده شماره ۳ تأکید کرد اگرچه ابزارها و منابع نقش مهمی در فرایند آموزش و یادگیری دارند، اما استفاده غلط از آنها می‌تواند این فرایند را دچار مشکل کند. به عنوان مثال، هنگامی که استاد در مقابل دستگاه‌هایی مانند اورهد می‌ایستد، گاهی به دانشجویان پشت می‌کند، این کار باعث قطع ارتباط او با دانشجویان می‌شود. بنابراین، ابزارها و منابع مهم هستند، اما شیوه به کارگیری آنها مهم‌تر است. توجه به این نکته ضروری است که تصمیم بگیریم چه موقع، چقدر، و چگونه آنها را به کار گیریم تا اثربخش باشند.

۲. مصاحبه‌شونده شماره ۴ تذکر می‌دهد، تأکید بر استفاده از این وسایل کمک آموزشی باید توأم با این تفکر باشد که اینها وسیله‌اند نه هدف.

۳. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ سفارش کرد، استفاده از منابع الکترونیکی در دوره‌های مختلف تحصیلی ممکن است خطر برخورد توأم با سهل‌انگاری با اطلاعات الکترونیکی را به دنبال داشته باشد. گاهی ممکن است این گمان به وجود آید که اطلاعات مختصر موجود در شبکه، تمام اطلاعات مربوط به موضوع مورد نظر است و به همین علت از تلاش برای جمع‌آوری

اطلاعات بیشتر خودداری شود یا نسبت به احتمال اشتباه بودن آنها غفلت شود. بنابراین استفاده از آنها به فرهنگ‌سازی نیاز دارد.

۴. مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ اظهار داشت، طیف وسیعی از منابع و ابزارها وجود دارند که انتخاب بهترین و مناسب‌ترین آنها برای فرایند آموزش و یادگیری، نیازمند مدیریت است. بنابراین، نقش استاد در انتخاب و به‌کارگیری این ابزارها، شبیه مدیریت منابع خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطابق یافته‌های پژوهش، وجود خدمات علمی-پژوهشی برای رشد توانایی تداوم یادگیری جایگاه ویژه‌ای دارد. خدمات ارائه شده از سوی کتابخانه، مرکز اطلاع‌رسانی، مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه، مرکز مشاوره و ایجاد تشکل‌ها و انجمن‌های علمی و حرفه‌ای، انواع خدمات علمی-پژوهشی هستند که باید در اختیار دانشجویان قرار گیرند. در عرصه تلاش برای تحقق یادگیری مادام‌العمر کتابخانه‌های دانشگاه باید علاوه بر شکل سنتی خود، به ارائه خدمات رایانه‌ای از طریق شبکه جهانی مجهز شوند. علاوه بر این، تجهیز کتابخانه به مجلات و کتاب‌های علمی و مناسب، تسهیل خط‌مشی‌های مربوط به استفاده از کتابخانه مانند قوانین و مقررات امانت، ارائه خدمات در ساعات مختلف، حتی در روزهای تعطیل، و تبدیل سیستم دسترسی بسته به سیستم باز از مواردی است که به کتابخانه‌ها کمک می‌کند تا نقش مؤثری در قلمرو یادگیری مادام‌العمر ایفا کنند. کتابداران نیز نقش ویژه‌ای دارند، زیرا آنها در کمک به دانشجویان برای کسب سواد اطلاعاتی نقش مؤثری دارند و می‌توانند از شیوه‌های مختلفی برای این منظور

استفاده کنند. البته موفقیت ایشان در انجام این رسالت مستلزم آن است که تلاش برای کسب سواد اطلاعاتی دانشجویان با تدریس و ارزیابی آموخته‌ها پیوند داده شود تا دانشجو کسب این سواد را جدی بگیرد.

بعد دیگر فعالیت کتابداران، کار با اعضای هیئت علمی است. آنان می‌توانند با اعضای هیئت علمی در تعیین زنجیره‌ای از مهارت‌ها و ادراکات مرتبط با سواد اطلاعاتی و گنجاندن آنها در فرایند تدریس و چگونگی ارزیابی آنها همکاری کنند. علاوه بر این، به استادان کمک کنند تا خود به سواد اطلاعاتی مجهز شوند. مسئولان مرکز اطلاع‌رسانی نیز می‌توانند در این زمینه کتابداران را یاری دهند.

ایجاد مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه و گسترش آن باید مورد توجه قرار گیرد. این مرکز باید به ارائه خدماتی از قبیل آشنایی و تسلط بر مهارت‌های مطالعه، به دانشجویان بپردازد. لازم است مسئولان این مرکز با اعضای هیئت علمی در زمینه‌هایی مانند آشنایی با روش‌های مناسب تدریس و ارزیابی همکاری کنند. بنابراین، باید کتابداران کتابخانه‌ها و مسئولان مرکز اطلاع‌رسانی و مرکز آموزش مهارت‌های مطالعه و یادگیری، به عنوان عضو کامل‌کننده فرایند یاددهی-یادگیری در نظر گرفته شوند و آنها نیز در طراحی برنامه‌ها و تدارک فرصت‌هایی که برای یادگیری چگونه یاد گرفتن تهیه می‌شوند به عنوان عوامل مؤثر مورد مشورت قرار گیرند.

مرکز مشاوره برای تحقق هدف پرورش یادگیرنده مادام‌العمر باید ارائه خدمات خود به دانشجویان جوان و بزرگسال را افزایش داده و دسترسی به آنها را تسهیل کند. برگزاری همایش و کارگاه آموزشی، به‌ویژه اگر دانشجویان در

برگزاری آن مشارکت داشته باشند، همچنین گسترش تشکلهای و انجمنهای علمی و حرفه‌ای نیز برای تحقق هدف مذکور ضرورت دارد، زیرا این نوع خدمات موجب تقویت اعتماد به نفس دانشجو، قرار گرفتن در جریان فعالیت‌ها و نتایج تحقیقات انجام شده، و ادامه دادن به یادگیری پس از پایان تحصیلات رسمی دوره کارشناسی می‌شود.

وجود ابزارها و منابع و به‌کارگیری صحیح آنها، برای پرورش یادگیرنده مادام‌العمر مهم و ضروری است، زیرا از یک‌سوروش‌های تدریس وابسته به آنهاست و از سوی دیگر به کارگیری آنها باعث می‌شود تجربه یادگیری غنی فراهم گردد. به عقیده صاحب‌نظران، باید از مجموعه متنوعی از ابزارها و منابع در فرایند آموزش و یادگیری دوره کارشناسی برای این منظور استفاده کرد. این مجموعه، ترکیبی از ابزارها و منابع سنتی و مدرن از قبیل کتاب، مجله، کارگاه، وسایل سمعی و بصری، آزمایشگاه، و فناوری جدید مانند رایانه را شامل می‌شود. در میان منابع سنتی کتاب به عنوان ابزاری که به راحتی در دسترس بوده و ارزان است، و درس استاد را بازنمایی می‌کند، به دانشجو کمک می‌کند آموخته‌های خود را بازنگری کند، به استقلال دست یابد، و جایگاه خود را حفظ کند. سایر ابزارها نیز اگر جذابیت، کیفیت، و تناسب آنها با نیازهای دانشجو رعایت شود، می‌توانند در انگیزش یادگیری مؤثر باشند.

با توجه به تأثیر فناوری‌های جدید در فرایند یاددهی - یادگیری استفاده از آنها، به ویژه رایانه، باید در اولویت قرار گیرد. استفاده صحیح، به‌جا، و کافی از آنها به عنوان ابزار یادگیری، آشنایی با شغل و حرفه، و ابزار کمک آموزشی، می‌تواند

به استفاده از فرصت‌های یادگیری ارائه شده از طریق این منابع برای ادامه یادگیری کمک کند. البته باید از هرگونه افراط در استفاده از آنها خودداری کرد و توجه داشت که استفاده از فناوری‌های جدید انگیزش دانشجو را تضمین نمی‌کند، بلکه به‌کارگیری آنها به شکلی که دانشجو را وادار به کاربرد مهارت‌ها و آموخته‌هایش کند، می‌تواند آنها را به چالش فراخواند. برای مقابله با خطرات ناشی از استفاده از این منابع لازم است به دانشجویان توضیح داده شود که کلید مدیریت اطلاعات، خود رهبری است که شامل شناسایی اطلاعات مورد نیاز، پالایش و توسعه اطلاعات خود و داشتن چشم‌انداز عمیق و گسترده در جست‌وجوی اطلاعات می‌شود.

انتخاب ابزار و منابع مناسب بستگی به ماهیت درس دارد و استاد هر درس می‌تواند با توجه به موضوع درس، بهترین و مناسب‌ترین آنها را انتخاب کرده و زمینه به کارگیری را فراهم کند. بنابراین، نقش استاد در انتخاب ابزارها، نقش مدیریت منابع خواهد بود و برای آنکه او بتواند این نقش را به خوبی ایفا کند، باید توانایی استفاده از آنها را داشته و خود با دانش روز درباره آنها آشنا باشد.

در مجموع، براساس یافته‌های پژوهش برای تدوین برنامه‌های دوره کارشناسی با رویکرد یادگیری مادام‌العمر توصیه‌های زیر ارائه می‌شود:

۱. لازم است درباره انواع خدمات علمی - پژوهشی در دانشگاه این نگرش تقویت شود که آنها پشتیبان فرایند یاددهی - یادگیری هستند. این خدمات باید هرچه بیشتر گسترش یابند و اعضای هیئت علمی، دانشجویان را به استفاده از آنها ترغیب کنند؛

۲. کتابخانه‌های دانشگاهی برای ایفای نقش

مؤثر خود لازم است در خط‌مشی امانت کتاب تجدیدنظر کنند تا دانشجویان دوره کارشناسی بتوانند کتاب‌های بیشتری و برای مدت زمان طولانی‌تری به امانت بگیرند. لازم است ساعات کار کتابخانه‌ها افزایش یابد و حتی در روزهای تعطیل امکان استفاده از آنها برای دانشجویان فراهم شود. با توجه به تأثیر مثبت دسترسی باز کتابخانه‌ها در افزایش انگیزه یادگیری، لازم است، تدابیری برای تبدیل سیستم بسته به سیستم باز اتخاذ شود؛

۳. کتابداران کتابخانه‌ها باید در کمک به اعضای هیئت علمی جهت تلفیق سواد اطلاعاتی با تدریس و ارزیابی آموخته‌ها و کمک به دانشجویان در انجام پژوهش و یافتن منابع و اطلاعات لازم نقش‌های جدیدی را برعهده گیرند؛

۴. با توجه به نقش مرکز اطلاع‌رسانی در کمک به دانشجویان و اعضای هیئت علمی در کسب سواد اطلاعاتی، باید این مراکز در دانشگاه گسترش یابند و همه دانشجویان بتوانند از خدمات آنان استفاده کنند. لازم است مسئولان این مراکز به اعضای هیئت علمی کمک کنند تا به این سواد مجهز شوند و آنها نیز بتوانند در کسب این سواد دانشجویان را یاری دهند و از امکانات رایانه‌ها برای این منظور استفاده کنند؛

۵. لازم است در تمام دانشگاه‌ها، مراکز آموزش مهارت‌های مطالعه تأسیس شود و در زمینه‌هایی مانند آشنا کردن دانشجویان با نحوه مطالعه در دانشگاه، چگونگی تهیه مقاله، نوشتن پایان‌نامه، و ارائه نظر و صحبت کردن در میان دیگران کمک کنند. همچنین، در کمک به استادان در مواردی مانند تغییر نگرش‌ها نسبت به امکانات جدید یادگیری و آشنایی با روش‌های

تدریس و ارزیابی مناسب تلاش کنند؛
۶. مراکز مشاوره دانشگاهی علاوه بر تدارک راهنمایی برای دانشجویان جوان، لازم است به توسعه خدمات و برنامه‌های مشاوره‌ای برای دانشجویان بزرگسال نیز بپردازند؛

۷. ایجاد و گسترش تشکل‌های حرفه‌ای و انجمن‌های علمی که در آنها دانش‌آموختگان دانشگاهی بتوانند به فعالیت علمی خود ادامه دهند و برگزاری همایش و کارگاه‌های آموزشی که دانشجویان در برنامه‌ریزی، مدیریت و برگزاری آنها مشارکت داشته باشند، باید بیش از آنچه تا کنون وجود داشته است، مورد توجه قرار گیرد، زیرا این‌گونه فعالیت‌ها برای ایجاد فضای جست‌وجوگری در دانشگاه و تقویت روحیه علمی در دانشجویان و اعضای هیئت علمی ضروری است؛

۸- گسترش کمی و کیفی منابع و ابزارها به‌خصوص رایانه با توجه به نقش آنها در تسهیل فرایند یاددهی - یادگیری ضروری است و باید افزایش میزان دسترسی دانشجویان به آنها مورد توجه قرار گیرد؛

۹- لازم است استفاده از ابزارها و منابع متناسب با موضوع درس، برای اعضای هیئت علمی تسهیل شود تا آنان بتوانند در طول دوره از ابزارهای متنوعی استفاده کنند؛ و

۱۰- لازم است از طریق برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت زمینه آشنایی اعضای هیئت علمی با فناوری‌های جدید و نحوه استفاده از آنها در تدریس فراهم شود. اتخاذ سیاست‌های تشویقی برای ترغیب آنها به استفاده بهینه از منابع و ابزارهای موجود و سعی آنان در استفاده از فناوری‌های جدید بسیار راهگشاست.

منابع

۱۱. ورنیدن، ج.؛ پلیناک، ل. «آموزش در عصر اطلاعات: مسائل و دیدگاههای جدید». ترجمه ف. افتخارزاده. آموزش برای قرن بیست و یکم (مسائل و دور نماها). تهران: عابد، ۱۳۸۰، ص ۳۶۰-۳۷۵.
12. Askov, E.N. "Adult Literacy". *In Handbook of Adult and Continuing Education*. San Francisco: Jossey-Bass, 2000. pp.250-259.
13. Candy, P.; Cerbert, G.; Oleary, J. *Developing Lifelong Learners, Through Undergraduate Education*. Canberra: Australian Government Publishing Service, 1994.
14. George, R. ... [et al]. "Preparing Student for a Flexible Society: An Institutional Strategy for Developing Lifelong Learning". 2000. [on-line]. Available: www.canberra.edu.au/Leaning Connection/disab/pathways/20 Conference%2 paper htm.
15. Kerka, S. "Information Management: Myths and Relities". ERIC Clearinghouse on Adult, Career and Vocational Education, Columbus, OH, 1997
16. Knapper, C. K.; Cropley, A. *Lifelong Learning in Higher Education*. London; Kogan Page, 2000.
17. Stoffle, C. J. ; Williams, K. "The Instructional Program and Responsibilities of the Teaching Library: New Directions for Higher Education". *Higher Education*, No. 90(1995):63-75.
18. Xiaozhou, X. "The Role of the University in Lifelong Learning :
 ۱. ابراهیمی، علی. برنامه ریزی درسی، راهبردهای نوین. تهران: فکر نو، ۱۳۷۷.
 ۲. اسدی، الف. دانشگاه و نقش پژوهشی آن، ۱۳۷۹. به نقل از: <http://www4.Irandoc.ac.ir/managGrp/structure%5Csection4htm>
 ۳. دلاور، علی. مبانی نظری و عملی پژوهش. تهران: رشد، ۱۳۷۶.
 ۴. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه، ۱۳۷۶.
 ۵. سیف، ع. الف. روشهای اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی. تهران: نشر روان، ۱۳۷۶.
 ۶. شعاری نژاد، علی اکبر. مبانی روانشناختی تربیت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
 ۷. گال، مردیت دامین؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس. روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه احمدرضا نصر و همکاران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
 ۸. ملکی، حسن. برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). مشهد: پیام اندیشه، ۱۳۷۹.
 ۹. ویلیامز، ه. «اقتصاد آموزش عالی در ایالات متحده». ترجمه م. وارثی. چالشهای فراروی آموزش عالی در هزاره سوم. تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰-۱۱۱.
 ۱۰. یونسکو. یادگیری: گنج درون. ترجمه دفتر همکاریهای علمی بین المللی وزارت آموزش و پرورش. تهران: تزکیه، ۱۳۷۶.

Perspectives from the Peoples
Republic of China". 2001. [on-line].
Available:
www.elsevier.com/locate/highedpol.

تاریخ دریافت : ۱۳۸۳/۷/۲۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی